روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۲۸ مهر ۱۳۹۴ • ۶ محرم ۱۴۳۷ • ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۲۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۲ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

دختر۱۶ساله‌ای که ۲۵ساله شد



پوریا عالمی

• یک وزیر سابق احمدی‌نژاد گفت: «دستاوردهای جوانان ایران در زمینه هسته‌ای را به‌راحتی دودستی تقدیم جهان کردند».

این وزیر آقای احمدی‌نژاد، ما را یاد حرف‌های دکتر در سال ۱۳۸۵ می‌اندازد. پس رفتیم با آن «دختر ۱۶ساله که در زیرزمین خانه‌اش انرژی هسته‌ای تولید کرده بود»، گفت‌وگو کردیم.

ما: سلام. خودتان را معرفی کنید؟ و بگویید نظر شما درباره توافق هسته‌ای چیست؟

دختر ۱۶ساله: سلام. من دختر ۱۶ساله هستم. راستش من خیلی ناراحت شدم. من تمام این مدت توی زیرزمین بودم. یعنی کل جوانیم را گذاشتم. باورت میشه؟ ۱۶ سالم بود الان ۲۵ سالم شده. اون‌موقع که دکتر احمدی‌نژاد آمد، من سفید پوشیده بودم با موی سیاه، الان سیاه پوشیده‌ام با موی سفید. می‌دانی چرا؟ چون پیر شدم. اینها برداشتند دستاوردهای من را دودستی تقدیم جهان کردند.

ما: جهان چه کسی است؟

دختر ۱۶ساله: جهان؟ جهان همساده ماست.

ما: نه‌نه. این جهان منظور ما نبود. آن جهان منظور ماست که دستاورد شما را دودستی بهش دادند.

دختر ۱۶ساله: من آن جهان را نمی‌شناسم. من اصلا جهان را نمی‌شناسم. من همین جهانی را می‌شناسم که جهان من است.

ما: ولش کن. دستاورد شما دقیقا چه بود که دودستی دادند به جهان؟

دختر ۱۶ساله: دستاورد من؟

ما: نه‌نه. ولش کن. چیز چی. آقای احمدی‌نژاد گفته بود شما انرژی هسته‌ای تولید می‌کنی. دقیقا یعنی چی؟

دختر ۱۶ساله: آره دیگه. من کل انرژیم را گذاشتم روی هسته‌ای.

ما: آیا دستاورد هسته‌ای خاصی داشتی؟

دختر ۱۶ساله: بله بله.

ما: ببین رسیدیم به آخر ستون. واقعا خسته نباشی. از آقای وزیر سابق هم ممنونم که ما را بعد از سال‌ها یاد شما انداخت.

پیشنهاد

یک‌قدم برای کتاب‌خوان‌شدن

یکی از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گسترش کتاب‌خوانی است. اما در اقدامی جالب آنها این‌بار از مردم و نهادهای فعال درخواست کمک و دوستی کرده‌اند. آنان جشنواره‌ای برگزار می‌کنند برای تقدیر از فعالان ترویج کتاب‌خوانی که در آن به تشویق گروه‌های مروج کتاب‌خوانی می‌پردازند. کسانی که در این زمینه فکر، ایده و اندیشه‌ای دارند می‌توانند تا ۲۹ مهرماه فراخوان را بخوانند، فرم را تکمیل و ارسال کنند. در این طرح، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر دارد افراد، گروه‌ها، تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی که فعالیت‌های مؤثر و نوآورانه‌ای در زمینه ترویج کتاب‌خوانی داشته‌اند را انتخاب و معرفی کند. گروه‌ها و نهادهای غیردولتی، افراد فعال در حوزه ترویج کتاب‌خوانی، معلم‌ها، پیش‌نمازها، کتابدارها، کتاب‌فروشی‌ها، مهدکودک‌ها یا فرد و حتی گروه‌هایی که در خارج از کشور برای ترویج کتاب‌خوانی فعالیت می‌کنند، می‌توانند فعالیت‌هایشان را معرفی و در این حرکت شرکت کنند.

کارتون خواب



فیروزه مظفری
firoozeh.mozaffari@gmail.com



پیشخوان



• شماره دوم مجله «توسعه نفت» از سری جدید منتشر شد.در این شماره خلاصه مقاله‌ای از پروفسور هاشم پسران درباره شیوه‌ای تازه در تحلیل بازار نفت درج شده است. گزارشی میدانی از گچساران، بام نفتی ایران، می‌خوانید به قلم نرگس جودکی؛ شهری که با وجود تولید روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت، بخش زیادی از مردمش با درآمد یارانه‌ها روزگار سپری می‌کنند و میزگردی با حضور دکتر دینی و پویا جبل‌عاملی پیرامون اینکه با قیمت سوخت باید چه کرد و هدفمندی یارانه‌ها چه انحراف‌هایی داشته است، از دیگر مطالب آن است. گزارش مؤسسه استلنی مورگان از پیش‌بینی قیمت نفت در سال آینده نیز بخش مهمی از پیکر محتوایی این شماره «توسعه نفت» است. عباس عبدی تحلیلی نوشته است درباره اینکه افزایش تولید نفت می‌تواند چه تأثیراتی بر ساختار سیاسی کشور بگذارد... . این تحلیل به همراه گزارش‌هایی است که «مأموریت زنگنه برای افزایش تولید نفت» را تحلیل می‌کنند. گزارشی از پشت پرده لغو یا تعویق کنفرانس لندن هم از گزارش‌خبری‌های توسعه نفت در این شماره است. این موضوع واکنش صاحب امتیاز مجله را برانگیخته و در ابتدای مجله به موضوع لغو کنفرانس لندن پرداخته است... . یادداشت مهدی افشارنیک سردبیر مجله نیز درباره کاستی‌های نظارت نهادهای مسئول بر صنعت نفت است.



• انتشار دوباره ماهنامه «سخن ما» بعد از پنج‌ماه اتفاق خوبی است. هرچند مهرنوش جعفری، مدیرمسئول آن، در ابتدای نشریه نوشته است که به دلیل مشکل مالی این تأخیر رخ داده است و چشم‌انداز روشنی هم برای حل این موضوع در پیش نیست اما این استمرار می‌تواند ستودنی باشد. در این شماره مطالبی از علیرضا علوی‌تبار و احمد پورنجاتی درباره انتخابات و علی شکوری‌راد درباره تحزب گرد آمده است. گفت‌وگو با سیدمحمد هاشمی، مهدی منتظرقائم و میزگردی با حضور علی محمودی و حسین واله هم در این شماره چاپ شده است. اما پرونده «ایران پس از توافق هسته‌ای» با گفتارهایی از جاوید قربان‌اوغلی، سعید لیلاز، احمد شیرزاد و قاسم محب‌علی از مجموعه آثار خواندنی این نشریه تحلیلی است.

سلام به فردا

دستاوردهای سیاسی رفع تحریم



علی تاجرنیا

بسیاری معتقدند تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران در واکنش به مسئله هسته‌ای کشورمان تنها تأثیرات اقتصادی داشته است اما برخلاف این عده معتقدم تأثیرات سیاسی و اجتماعی تحریم را نباید نادیده گرفت. اساسا مسئله هسته‌ای ایران و تحریم‌هایی که به‌دنبال آن به وجود آمد، در کشور ما کاملا جنبه سیاسی پیدا کرده بود. در ارتباط با این مسئله نگاهی در کشور ایجاد شد که تمامی داشته‌های ایران و همه حیثیت سیاسی کشورمان را به مسئله هسته‌ای گره می‌زد. دربرابر این نگاه جریان معقول‌تری نیز در هر دو جناح موجود در کشور ایجاد شد که معتقد بود مسئله هسته‌ای کشور مانند همه مسائل و مناقشات موجود دیگر مشکلی است که باید از طریق صحیح و درستی دنبال و برای آن راه‌حلی پیدا شود. به‌همین‌دلیل سرانجام‌یافتن مذاکرات و رفع تحریم‌ها تأثیرات سیاسی در فضای جامعه خواهد داشت به این معنی که قطب‌بندی‌های سیاسی کشور را به این نحو که چقدر با این مقوله منطقی یا احساسی برخورد کردند، به نمایش می‌گذارد و البته به مرور زمان این قطب‌بندی‌ها تعدیل خواهد شد. از سوی دیگر امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که طرف غربی نیز نسبت به مسئله هسته‌ای نگاهی آمیخته با سیاست داشت و یکی از پیام‌های مهم رفع تحریم‌ها این خواهد بود که اگر رفتارهای ما منطقی باشد با اعتمادسازی بین کشورها می‌توان مسائل را حل کرد. رویکرد دولت سابق در مسئله هسته‌ای، کشور را دچار مشکلاتی کرده بود که جایگزینی این رویکرد با رویکرد دولت حسن روحانی که هم زبان دیپلماسی بین‌المللی را می‌شناخت و هم از پشتوانه مردمی برخوردار بود، به حل این مسئله منجر شد. این پیامدی است که نباید آن را کوچک انگاشت. این پیروزی رویکرد جناح اصلاح‌طلب و جناح دولت است و مردم نیز که در این مدت همه اتفاقات را رصد می‌کردند، به‌درستی متوجه این موضوع هستند. مهم‌ترین تأثیر سیاسی و اجتماعی رفع تحریم‌ها، پیروزی تفکر اعتدال‌طلبی است که به‌نفع دولت و اصلاح‌طلبان است.

همین حوالی

چگونه حوزه هنری حاشیه‌نشین شد



مینا اکبری

حوزه هنری در شکل‌گیری سینمای پس از انقلاب نقش مهمی ایفا کرده است. آموزش و زمینه‌سازی حضور نسل فیلم‌سازان پس از انقلاب، تولید آثار متنوع با رویکردهای مختلف در سه دهه و مدیریت بیشترین تعداد سالن سینما در سراسر کشور نشان می‌دهد که حوزه هنری بخش عمده‌ای از تعریف سینمای پس از انقلاب را به خود اختصاص داده است. این نقش‌آفرینی مؤثر و همه‌جانبه اما در طول چندسال اخیر به شکل گسترده‌ای بی‌رنگ شده تا جایی که در دهه ۹۰، نام حوزه هنری تنها در حیطه اکران و تأثیر در روندهای ممیزی خارج از معاونت سینمایی ارشاد برخی فیلم‌ها دوباره به زبان می‌آید. این روزها حوزه هنری نه‌تنها خاستگاه نیروهای تازه‌نفس سینما نیست، بلکه ارتباطش با بدنه سینماگران فعلی نیز تا حدود چشمگیری مخدوش شده. سیاست‌های تولید در حوزه هنری آن‌قدر محدود است که دیگر کسی به خاطرش نمی‌آید، فیلم‌های پرفروش و مؤثری که حیطه‌های تازه‌ای در محتوا را به سینمای ایران معرفی می‌کرد، حاصل مدیریت محمدعلی زم و سلیقه برخی هنرمندان آن در دوره‌ای خاص از سینمای ایران بود. حوزه هنری در حالی تنها به مدیریت سالن‌های بی‌شمار خود در کشور اکتفا می‌کند و نقش خود را در جریان فکری و محتوایی و اقتصادی و صنفی سینما تا حد یک ممیز خارج از محدوده تقلیل می‌دهد که درحال‌حاضر تولیدات اندک این نهاد برخاسته از انقلاب در سینما، بیش از آنکه حاصل مدیریت و جریان فکری در حوزه باشد، حاصل حضور گاه‌به‌گاه فیلم‌سازانی است که هویت خود را از حوزه هنری کنونی نمی‌گیرند. این اتفاق در حالی قابل بررسی است که حوزه هنری اولین و مهم‌ترین نهاد هویت‌ساز در سینمای ایران بود که در کنار بنیاد سینمایی فارابی، موجودیت سینمای پس از انقلاب، حاصل معناسازی مستمر در فیلم‌ها و نشریات فرهنگی آن بود. کافی است به فهرست بلندبالای فیلم‌سازانی که در حوزه هنری کارشان را آغاز کرده‌اند نگاهی بیندازیم یا فیلم‌هایی که حوزه در این سال‌ها ساخته را مرور کنیم تا متوجه شویم، حاشیه‌ای‌شدن حوزه هنری در سینما چه معنی‌ای دارد. باید قبول کرد که حوزه هنری دیگر جایگاهی در سینمای امروز ایران ندارد. سیاست‌های کنونی حوزه هنری در سینمای امروز ایران دورشدن از تولید و حاشیه‌های پرشمار آن است. می‌توان دلایلی سیاسی- اقتصادی برای این منظور پیدا کرد و این دلایل را در کنار کم‌کاری این نهاد در حیطه‌های فرهنگی دیگر هم به نشانه سیاست کلی سازمان تبلیغات اسلامی تعبیر کرد. اما چیزی که غیبت حوزه هنری در سینمای ایران را بیشتر قابل‌تأمل می‌کند، غیبت نهادی است که مسئولیت فکری، محتوایی، آموزشی، جهت‌دهی سینماگران و تولیدات سینمای ایران را وانهاده و خود به مصرف‌کننده نتیجه سرمایه‌گذاری تولیدات بخش‌های نیمه‌خصوصی و نیمه‌دولتی (مانند بانک‌ها) در سینما تبدیل شده است. دلیل حاشیه‌نشینی حوزه هنری بیشتر از آنکه حاصل فقر هزینه و بودجه باشد، به غیبت نظریه‌پردازان و عناصر مؤثر در تصمیم‌گیری مدیران سینما برمی‌گردد. حوزه هنری زمانی پاتوق و محفل و میعادگاه نیروهای انقلابی سینما بود و از نگارش فیلم‌نامه تا تولید و اکران و نظریه‌پردازی در سینمای ایران حرف اول را می‌زد، اما این روزها حوزه هنری نه‌تنها حرفی برای گفتن ندارد، بلکه عوامل مؤثر در سینمای امروز ایران که بسیاری یا حوزه را به وجود آوردند یا حوزه در شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای آنها نقش مهمی داشته، با هم در یک لانگ‌شات هم قرار نمی‌گیرند، چه برسد به همکاری و همفکری. درحال‌حاضر خبر می‌رسد که حوزه هنری قصد راه‌اندازی شورای متن و ساخت فیلم بلند و کوتاه دارد اما تا حوزه هنری برای جذب نیروهای مؤثر در سینمای امروز ایران، سیاست جدید و برنامه‌ریزی تازه‌ای انجام ندهد و دوباره به پاتوق نیروهای فکری سینما تبدیل نشود، با راه‌اندازی تولید و نمایش فیلم هم نمی‌تواند به جایگاه اصلی خود برگردد. حوزه هنری ابتدا باید نقش تازه‌ای برای خود در فضای امروز سینمای ایران تعریف کند وگرنه باید همیشه حاشیه‌نشین حاشیه‌ها باقی بماند.

آینه‌های روبرو

«پاکبان» جایگزین مناسبی برای «رفتگر» نیست

در شبکه‌های اجتماعی، کمپینی برای جایگزینی واژه «پاکبان»، به جای «رفتگر» به راه افتاده است. سؤال اینجاست که مردم از چه طریقی می‌توانند درخواست تغییر یک نام را به اطلاع فرهنگستان زبان و ادب فارسی برسانند و از آن دفاع کنند. هوشنگ مرادی کرمانی، یکی از اعضای این فرهنگستان، در کنار توضیح روال قانونی جایگزینی یک واژه، مخالفت خود را با واژه «پاکبان» به شرق می‌گوید و دلایلش می‌تواند، در پیشنهادهای بعدی مردم اثرگذار باشد:

◣ به‌طور معمول پیشنهاد جایگزینی نام‌ها چه روال قانونی‌ای دارد؟

اگر نهاد یا دستگاهی پیشنهاد جایگزینی واژه‌ای را دارد، می‌تواند مستقیما از طریق روابط عمومی‌اش با بخش واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مکاتبه کند، تا فرهنگستان با تشکیل جلسه‌ای ضمن نقد و بررسی آن، دفاعیات نهاد مورد نظر را هم درباره این جایگزینی بشنود.

◣ در شبکه‌های اجتماعی از طرف بعضی از مردم پیشنهاد شده است که به‌جای «رفتگر» از کلمه «پاکبان» استفاده شود، دراین‌باره اقدامات قانونی چیست؟

چون رفتگران در حوزه فعالیت شهرداری هستند، مردم می‌توانند پیشنهاد خود را به شهرداری داده تا روال قانونی آن در فرهنگستان پی‌گیری شود. از سوی دیگر پیشنهاددهندگان این نام می‌توانند از طریق رسانه‌ها، پیشنهاد خود را به گوش فرهنگستان برسانند. در جلسه‌ای که با حضور اعضای فرهنگستان برگزار می‌شود، این واژه‌ها بررسی شده و تصمیم گرفته می‌شود، اما اگر من بخواهم شخصا نظری داشته باشم، با کلمه پاکبان موافق نیستم.

◣ چرا؟

به چند دلیل؛ اول اینکه این کلمه قبلا به اصطلاح «مصادره شده است». پاکبان عنوان محصولات لبنی یک کارخانه است و جایگزینی آن با واژه «رفتگر» امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، واژه رفتگر اصلا واژه بدی نیست که نیاز به جابه‌جایی داشته باشد. در دوره احمدی‌نژاد، پیشنهاد شد که واژه «بازنشسته» تغییر کند یا مثلا پیشنهاد داشته‌ایم که به‌جای واژه معلول از واژه «توان‌خواه» استفاده کنیم. در زمان احمدی‌نژاد گفتند که کلمه «بازنشسته» را عوض کنیم، هرچه فکر کردیم ببینیم چه واژه‌ای می‌شود به‌جای کلمه‌ای گذاشت که لااقل روزی دومیلیون بار استفاده می‌شود، به نتیجه‌ای نرسیدیم. تاجیک‌ها از اصطلاح «سبک دوش»، به‌جای بازنشسته استفاده می‌کنند، اما اگر چنین جابه‌جایی صورت می‌گرفت آیا کلمه جدید منظور ما را می‌رساند؟ این تغییرات به‌سادگی صورت نمی‌گیرد، بعضی از واژه‌ها، در محتوا تابو هستند و هرچقدر هم که از روش جایگزینی استفاده کنیم، باز بعد از مدتی محتوایش خود را نشان خواهد داد. از سوی دیگر واژه‌ای جایگزین می‌شود که قابلیت زیرمجموعه‌سازی هم داشته باشد. مثلا اگر روشن‌دل را با نابینا جایگزین کنیم، به‌جای زیرمجموعه کم‌بینا از چه ترکیبی باید استفاده کرد؟ بعضی از این جایگزینی‌ها معمولا حالت تعارف دارند درحالی‌که واژه‌ای که به تصویب می‌رسد باید در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شود.



تخته سبز

جنگل یا اندیشه‌های مدیریتی، کدام فرتوت است؟



مژگان جمشیدی

بیش از ۳۰ میلیون‌سال پیش در اواخر دوره میوسن و الیگوسن، جنگل‌های پهن‌برگی در نیم‌کره‌شمالی زمین ظاهر شد که با آغاز دوران چهارم زمین‌شناسی و عصر یخبندان، عمده این جنگل‌ها در زیر یخچال‌های طبیعی دفن شد و تنها در البرز شمالی لکه‌ای از آن باقی ماند. درهمین‌حال که یخچال‌ها به‌تدریج در حال آب‌شدن بودند، درختان سوزنی‌برگی چون سرخدار، ارس و زربین هم به اکوسیستم جنگل‌های شمال ایران افزوده شد تا غنای گونه‌ای جنگل‌های هیرکانی دوچندان شود و به همین دلیل است که برجسته‌ترین زیست‌شناسان و اکولوژیست‌های جهان، جنگل‌های شمال ایران را «فسیل‌های زنده جنگلی» و «مادر جنگل‌های پهن‌برگ اروپایی» لقب داده‌اند. حالا اما در اظهاراتی شگفت‌آور، معاون جنگل سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور که پیش از این نیز در سال ۸۵، حفاظت از جنگل‌های البرز مرکزی را اشتباه مدیریتی سازمان محیط‌زیست خطاب کرده و این منطقه را مانع توسعه غرب مازندران عنوان کرده بود، حالا گفته: «عناصر پیر و فرتوت جنگل‌های هیرکانی که در نهایت ۱۰ سال دیگر می‌خواهد بیفتد، چه ارزشی بیش از جنگل‌های جوان دارد؟» این مقام مسئول با بیان موافقت تلویحی خود با ساخت سد شفارود، گفته: «با دریافت ۲۲میلیارد تومان خسارات مالی ناشی از آن می‌توانیم جنگل‌های جدیدی را ایجاد کنیم».

این اظهارنظر در حالی عنوان می‌شود که پیش از این خیل عظیمی از گروه‌های محیط‌زیستی و متخصصان دانشگاهی اعتراض خود را به ساخت سد شفارود در بهترین رویشگاه جنگلی کشور که گنجینه عظیمی از گونه جنگلی شمشاد را در خود جای داده، اعلام کرده بودند. شمشاد، از درختان در خطر انقراض جنگل‌های شمال ایران است که به موجب قانون حفظ ذخایر ژنی، قطع آن ممنوع است و متخلفان به مجازات حبس، از سه تا شش‌ماه باید محکوم شوند! متأسفانه به دلیل سوءمدیریت در جنگل‌های شمال، در سال‌های اخیر این گونه دچار آفت شده و بیش از ۴۰ درصد رویشگاه آن در شمال ایران فقط در چهار، پنج سال اخیر نابود شده و حالا قرار است صدها هکتار از رویشگاه این گونه که مخزن بسیاری از ژن‌ها و گونه‌های کمیاب جنگلی است در مخزن سد شفارود نابود شود و زیر آب برود.

اکنون این پرسش مطرح است که به‌راستی سازمان جنگل‌ها تاکنون خسارت کدام‌یک از جنگل‌تراشی‌های کشور را از پیمانکاران دریافت کرده که حالا بخواهد با دریافت خسارت سد شفارود، جنگل ۳۰میلیون‌ساله شمال را با نهال‌های سه‌ساله غیربومی جایگزین کند؟! آیا مجریان سد میجران رامسر، هراز، نرماب، زرینگل، البرز و سلیمان‌تنگه که بیش از دو هزار هکتار از اراضی جنگلی شمال را نابود کردند تاکنون ریالی به‌عنوان خسارت به این سازمان پرداخت کرده‌اند؟ سد کارون۳، کارون۴، گتوند، خرسان و ده‌ها سد دیگر که بیش از ۱۰ هزار هکتار از جنگل‌های «بلوط و بنه و کنار» ایرانی را در زاگرس ویران کرده‌اند مگر خسارتی داده‌اند؟

اگر وزارت راه، نیرو، نفت و صنعت همه‌روزه صدهاهکتار از رویشگاه‌های کشور را غیرمسئولانه به بهانه «توسعه» زیر خروارها خاک دفن می‌کنند، ملالی نیست اما اینکه متولیان جنگل، خود کوچک‌ترین ارزشی برای اندوخته‌های ژنتیکی قائل نیستند حقیقت تأسف‌بار مدیریت منابع طبیعی ماست. گویی برخی مدیران تنها نهاد متولی جنگل، بیش از اینکه دلسوز و آشنا به اصول علمی و اکولوژی جنگل باشند، وکیل‌مدافعان توسعه کشورند و چه بیچاره و بی‌پناه است طبیعت مظلوم این سرزمین که محافظانش خود مجوز تخریب می‌دهند.

آکادمی جان ندارد
کدام دانشگاه؟ کدام دانشجو؟
نوشتارهایی از: عباس کاظمی
محمد فاضلی، علی پایا



سه سرباز
از استعفای حزبی تا منطقهٔ جنگی
روایت‌هایی از: هاشم آقاجری
محسن آرمین، فیض‌الله عرب‌سرخی

ستاد جنگ با فتوای امام دولت را دور می‌زد
اقتصاد و پایان جنگ
در گفت‌وگو با مسعود روغنی‌زنجانی



هانا آرنت، فراتر از ایدئولوژی
مقاله‌ای از بابک احمدی



مصادرهٔ امیرکبیر و گریز نافرجام
خاطرات عبدالرحیم جعفری



محافظه‌کاری وظیفهٔ من است
شرح یک زندگی فرهنگی
در گفت‌وگو با بهاءالدین خرمشاهی

ناجی کلیدر
خرمشاهی به روایت محمود دولت‌آبادی

جشن‌نامهٔ ۹۳ سالگی
برای تندخویِ نرم‌تن
بدی برای خودم نساختم
گفت‌وگو با
ابراهیم گلستان



به همراه یادداشت‌هایی از:
پرویز دوائی
آیدین آغداشلو
مجید برزگر
مسعود کیمیایی
پیروز کلانتری

بیست‌ونهمین
شمارهٔ اندیشهٔ پویا
منتشر شد

www.sharghdaily.ir